

legal analysis policy and positive value of electronic documents
in iranian legal system ; challenges and solutions

Seyed Mohammad Haqayeqi¹

Received: 25 August 2023

Mohammad reza Nasiri²

Reception: 4 December 2023

abstract

title of article of legal analysis of validity and positive value of electronic documents in iranian legal system challenges and solutions summary with the development of new communication technologies and developments in trading transactions , as one of the essential elements of e - commerce has been discussed . in the legal system of iran , the adoption of e - commerce act in 1382 was an important step toward the identification and regulation of regulations governing these documents . the present research is a descriptive - analytical research and based on library resources , the nature of the conditions of validity and positive value of electronic documents in iranian law is investigated . the findings of the research show that electronic documents are divided into three categories : electronic formal document of electronic documents by reliable signature and electronic documents by simple signature . although article 12 of the mentioned law , the principle of non - rejection of the positive value of the message data is due to the electronic form , the legal gaps in the precise definition of electronic signature certificates and the challenges related to authentication and prevention of forgery are main obstacles to full utilization of the capacity of these documents in the judicial courts . the present article , with the introduction of complementary executive guidelines , is to strengthen inter - faith harmony between the judiciary branch and the central bank and promote the technical knowledge of judges and experts in order to facilitate the integration process of electronic documents in the proof of iran 's claim . key words of electronic signature message , electronic signature message , positive value of electronic commerce law , proof of claim

1 senior private law expert , justice judge 2 assistant professor of political science , south tehran , islamic azad university , tehran , iran (writer responsible)

2 senior private law experts , the institute for nongovernmental and non - governmental higher education

سیاست های تحلیل حقوقی اعتبار و ارزش اثباتی اسناد الکترونیکی در نظام حقوقی

ایران؛ چالش ها و راهکارها

سید محمد حقایقی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

محمد رضا نصیری^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

چکیده

با گسترش فناوری های نوین ارتباطی و تحول در شیوه های مبادلات تجاری، اسناد الکترونیکی به عنوان یکی از ارکان اساسی تجارت الکترونیک مطرح شده اند. در نظام حقوقی ایران، تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ گامی مهم در جهت شناسایی و تنظیم مقررات حاکم بر این اسناد بوده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه ای، به بررسی ماهیت، شرایط اعتبار و ارزش اثباتی اسناد الکترونیکی در حقوق ایران می پردازد. یافته های تحقیق نشان می دهد که اسناد الکترونیکی بر اساس قانون تجارت الکترونیکی به سه دسته «سند رسمی الکترونیکی»، «سند عادی الکترونیکی با امضای مطمئن» و «سند عادی الکترونیکی با امضای ساده» تقسیم می شوند. هرچند ماده ۱۲ قانون مذکور، اصل عدم رد ارزش اثباتی داده پیام ها را صرفاً به دلیل شکل الکترونیکی مقرر داشته، اما خلأهای قانونی در زمینه تعریف دقیق سند رسمی الکترونیکی، عدم استقرار کامل زیرساخت های فنی صدور گواهی امضای الکترونیکی، و چالش های مربوط به احراز اصالت و جلوگیری از جعل، از موانع اصلی بهره گیری کامل از ظرفیت های این اسناد در محاکم قضایی است. مقاله حاضر در پایان، با ارائه راهکارهایی از جمله تدوین آیین نامه های اجرایی تکمیلی، تقویت همکاری بین بخشی میان قوه قضائیه، سازمان ثبت و بانک مرکزی، و ارتقای دانش فنی قضات و کارشناسان، درصد تسهیل فرآیند ادغام اسناد الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوی ایران است.

واژگان کلیدی: سند الکترونیکی، داده پیام، امضای الکترونیکی، ارزش اثباتی، قانون تجارت الکترونیکی، ادله اثبات دعوی.

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، قاضی دادگستری استادیار علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی - غیردولتی تابناک لامرد

سند به‌عنوان ستون فقرات تعاملات حقوقی و تجاری، همواره نقشی بی‌بدیل در استقرار امنیت قضایی و تحقق عدالت ایفا کرده است. در نظام حقوقی ایران، تعریف کلاسیک و سنتی از سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی متبلور شده که آن را «نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد» معرفی می‌کند؛ تعریفی که ریشه در فرهنگ مکتوب و کاغذی داشته و ناظر بر شکل مادی و فیزیکی اسناد است. با این حال، انقلاب دیجیتال و گسترش شتابان فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در دهه‌های اخیر، پارادایم‌های سنتی مبادلات را دگرگون ساخته و بخش عمده‌ای از تعاملات اقتصادی و اجتماعی را به بستر فضای مجازی منتقل کرده است. این تحول بنیادین، ضرورت بازتعریف مفهوم سند و انطباق نظام‌های حقوقی با واقعیت‌های عصر جدید را اجتناب‌ناپذیر ساخته است، چرا که تداوم اصرار بر تعاریف صرفاً کاغذی، می‌تواند منجر به نادیده گرفتن حجم عظیمی از تعاملات قانونی و ایجاد خلأ در حمایت از حقوق اشخاص گردد.

در پاسخ به این نیاز، قانون‌گذار ایران با تصویب «قانون تجارت الکترونیکی» در سال ۱۳۸۲، با الهام از اسناد بین‌المللی نظیر قوانین نمونه آنسیترال و پذیرش اصل «برابری عملکردی»، گامی پیشرو در جهت به‌رسمیت شناختن «داده‌پیام» و «امضای الکترونیکی» برداشت. بر اساس ماده ۱۲ این قانون، اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و هیچ محکمه‌ای نمی‌تواند ارزش اثباتی آن‌ها را صرفاً به دلیل شکل و قالب الکترونیکی رد کند. با وجود این تصویب و گذشت بیش از دو دهه از اجرای آن، مساله اصلی پژوهش حاضر، وجود شکاف، تعارض و ابهامات عمیق میان مقررات سنتی حاکم بر اسناد (به‌ویژه قانون مدنی و قانون ثبت) و مقررات نوین تجارت الکترونیکی در خصوص «اعتبار و ارزش اثباتی اسناد الکترونیکی» است که همچنان پابرجاست.

این تعارض قانونی و اجرایی، هسته مرکزی مساله تحقیق را در چند بُعد کلیدی شکل می‌دهد: نخست، ابهام در طبقه‌بندی و ماهیت حقوقی اسناد الکترونیکی است. در حالی که اسناد سنتی به دو دسته «رسمی» و «عادی» تقسیم می‌شوند که هرکدام آثار حقوقی مشخصی (مانند لازم‌الاجرا بودن اسناد رسمی) دارند، اسناد الکترونیکی در قانون تجارت الکترونیکی بیشتر بر اساس میزان امنیت (مطمئن و غیرمطمئن) دسته‌بندی شده‌اند. اگرچه مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی مقرر داشته‌اند که داده‌پیام‌های مطمئن در حکم اسناد معتبر و قابل استناد هستند و انکار و تردید نسبت به آن‌ها مسموع نیست، اما این قانون سکوت معناداری در خصوص تعریف دقیق «سند رسمی الکترونیکی» دارد. از سوی دیگر، ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، سند رسمی را سندی می‌داند که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی و در حدود صلاحیت مأموران رسمی تنظیم شده باشد. این تعریف مضیق که ناظر بر حضور فیزیکی و تنظیم توسط مأمور دولتی است، با ماهیت غیرمادی و امکان تنظیم از راه دور اسناد الکترونیکی در تعارض ظاهری قرار گرفته و مشخص نیست که آیا یک «داده‌پیام مطمئن» با امضای الکترونیکی امن، می‌تواند تمام آثار سند رسمی کاغذی را داشته باشد یا خیر.

دوم، چالش‌های زیرساختی و فنی است. اعتبار اسناد الکترونیکی، به‌ویژه آن‌هایی که ادعای مطمئن بودن دارند، منوط به وجود زیرساخت‌های فنی نظیر «زیرساخت کلید عمومی» و فعالیت رسمی «دفاتر خدمات صدور گواهی امضای الکترونیکی» است. با وجود پیش‌بینی این دفاتر در ماده ۳۲ قانون تجارت الکترونیکی، تاخیر در استقرار کامل این زیرساخت‌ها و عدم صدور گواهی‌نامه‌های الکترونیکی معتبر برای عموم مردم، عملاً امکان ایجاد «امضای الکترونیکی مطمئن» را محدود کرده است. این نقص فنی، مستقیماً بر

ارزش اثباتی اسناد در محاکم تاثیر می‌گذارد، زیرا قاضی بدون اطمینان از صحت امضا و هویت امضاکننده، نمی‌تواند به سند استناد کند. سوم، فقدان تخصص قضایی و کارشناسی است. احراز اصالت، بررسی تمامیت داده‌پیام‌ها و کشف جعل در اسناد الکترونیکی، نیازمند تخصص بین‌رشته‌ای (حقوق و فناوری اطلاعات) است. کمبود کارشناسان رسمی دادگستری در این حوزه و عدم آشنایی کافی برخی از مقامات قضایی با پیچیدگی‌های فنی اسناد دیجیتال، باعث شده است که در عمل، پذیرش این اسناد به عنوان دلیل اصلی دعوا با دشواری مواجه شود و قضات ترجیح دهند به ادله سنتی کاغذی استناد کنند.

چهارم، خلأ قانونی در اسناد تجاری دیجیتال است. قانون تجارت الکترونیکی بیشتر ناظر بر جنبه‌های عمومی مبادلات است و مقررات خاصی برای اسناد تجاری دیجیتال (مانند برات، سفته و چک الکترونیکی) پیش‌بینی نکرده است. با گسترش فین‌تک‌ها و ظهور پدیده‌هایی مانند رمزارزها و قراردادهای هوشمند، این خلأ آشکارتر شده و عدم وجود قانون مشخص برای تنظیم این اسناد، باعث سردرگمی فعالان اقتصادی و افزایش ریسک حقوقی معاملات شده است.

بنابراین، مساله اصلی این پژوهش آن است که با وجود پذیرش اصل اعتبار اسناد الکترونیکی در قانون، به دلیل تعارضات تقنینی، نقص زیرساخت‌ها و چالش‌های اجرایی، هنوز جایگاه دقیق این اسناد در نظام ادله اثبات دعوی ایران تبیین نشده است. این ابهامات باعث شده است که پتانسیل بالای اسناد الکترونیکی در تسهیل دادرسی و تجارت، به‌طور کامل آزاد نشود و امنیت حقوقی معاملات دیجیتال با تردید مواجه گردد. این مقاله با هدف تبیین دقیق جایگاه حقوقی اسناد الکترونیکی، تحلیل تعارضات قانونی موجود و ارائه راهکارهایی برای رفع موانع عملیاتی در جهت تحقق کامل اعتبار این اسناد در محاکم قضایی ایران تدوین شده است.

۲. مبانی مفهومی و قانونی اسناد الکترونیکی

۲-۱. تعریف و ماهیت سند الکترونیکی

در نظام حقوقی سنتی ایران، تعریف کلاسیک از سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی ارائه شده است که آن را «نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد» معرفی می‌کند. این تعریف ناظر بر شکل مادی و کاغذی اسناد است و ریشه در فرهنگ مکتوب دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷). با این حال، با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، مفهوم سند دستخوش تحول شد. قانون‌گذار ایران در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، اگرچه تعریف مستقیمی از اصطلاح «سند الکترونیکی» ارائه نکرده است، اما با تعریف «داده‌پیام» در بند (الف) ماده ۲، چارچوب مفهومی و ماهیت آن را ترسیم نموده است. بر اساس این ماده، داده‌پیام «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهومی است که با وسایل الکترونیکی، نوری یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش شود».

بر این اساس، در دکتترین حقوقی، سند الکترونیکی را می‌توان داده‌پیامی دانست که قابلیت استناد در مقام دعوا یا دفاع را دارا باشد (ساوری، ۱۳۹۳). این رویکرد مبتنی بر نظریه «معادل‌های کارکردی» است که در قوانین نمونه آنسیترال نیز پذیرفته شده است. طبق این نظریه، نباید به صرف شکل الکترونیکی بودن، از اعتبار سند کاست؛ بلکه باید کارکردهای اساسی سند کاغذی (مانند قابلیت خواندن، دوام، و انتساب) را در محیط الکترونیک تأمین کرد (عرفانی، ۱۳۸۴). بنابراین، ماهیت سند الکترونیکی ترکیبی از «داده‌پیام» به عنوان محتوا و «امضای الکترونیکی» به عنوان عامل انتساب است که در بستر فناوری اطلاعات شکل می‌گیرد و فاقد جنبه فیزیکی و ملموس سنتی است (نجفی، ۱۴۰۰).

۲-۲. ارکان تشکیل‌دهنده سند الکترونیکی معتبر

برای آنکه یک داده‌پیام بتواند در محاکم قضایی به‌عنوان سند معتبر و «اصل» شناخته شود، صرف وجود آن کافی نیست و رعایت شرایط مقرر در قانون تجارت الکترونیکی ضروری است. ماده ۸ این قانون، چهار شرط اساسی را برای نگهداری اطلاعات به صورت «اصل» در قالب داده‌پیام برشمرده است که تضمین‌کننده تمامیت و قابلیت استناد آن است:

۱. **قابلیت دسترسی:** اطلاعات باید به گونه‌ای ذخیره شوند که امکان استفاده مجدد از آن‌ها در مراجعات بعدی فراهم باشد. منظور از قابل دسترس بودن، نگهداری اطلاعات در پایگاهی مطمئن است که در هر زمان که مرجع قضایی تشخیص دهد، قابل ارائه باشد (قانون تجارت الکترونیکی، ماده ۸)

۲. **حفظ قالب اولیه:** داده‌پیام باید در همان قالبی که تولید، ارسال یا دریافت شده، نگهداری شود. این شرط برای تضمین این است که اطلاعات به شکلی نگهداری شوند که دقیقاً نمایانگر داده‌های اصلی باشند و هرگونه تغییر در ساختار نمایشی یا کدهای اطلاعاتی که منجر به تغییر مفهوم شود، رخ نداده باشد (ساورایی، ۱۳۹۳). ۳. **ثبت اطلاعات هویتی و زمانی:** در صورت وجود، اطلاعات مربوط به مبدأ، مقصد، زمان ارسال و دریافت پیام باید حفظ گردد. این داده‌های فرعی (متادیتا) نقش کلیدی در احراز هویت فرستنده و تعیین زمان دقیق وقوع عمل حقوقی ایفا می‌کنند و استاندارد را ایجاد می‌کنند که ممکن است از اسناد کاغذی معتبرتر باشد (صادقی نشاط، ۱۳۹۳).

۴. **رعایت دستورالعمل‌های نهادی:** شرایط خاصی که هر نهاد، سازمان یا وزارتخانه برای نگهداری داده‌پیام‌های مرتبط با حوزه مسئولیت خود تعیین کرده است، باید رعایت گردد. این شرط بیشتر ناظر بر اشخاص حقوقی و دستگاه‌های دولتی است تا سازماندهی سیستم‌های اطلاعاتی آن‌ها تضمین شود (قانون تجارت الکترونیکی، ماده ۸).

رعایت این شرایط باعث می‌شود که داده‌پیام از نظر حقوقی در حکم سند اصل تلقی شده و قابلیت استناد در دادرسی را پیدا کند (شمس، ۱۳۸۴).

۲-۳. امضای الکترونیکی: رکن انتساب

در اسناد سنتی، امضا عامل اصلی انتساب سند به صادرکننده است. در محیط الکترونیک نیز امضای الکترونیکی همین کارکرد را ایفا می‌کند. امضای الکترونیکی به‌عنوان عامل اصلی انتساب داده‌پیام به صادرکننده، در بند (ی) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی تعریف شده است: «هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده‌پیام که برای شناسایی امضاکننده مورد استفاده قرار می‌گیرد». با این حال، قانون‌گذار بین امضای الکترونیکی «ساده» و «مطمئن» تفکیک قائل شده است که آثار حقوقی متفاوتی دارند.

قانون‌گذار در ماده ۱۰، شرایط «امضای الکترونیکی مطمئن» را به صورت حصری مقرر داشته است که شامل موارد زیر است: ۱. انحصار به امضاکننده: امضا نسبت به امضاکننده منحصر به فرد باشد. ۲. شناسایی هویت: هویت امضاکننده داده‌پیام را معلوم کند. ۳. کنترل انحصاری: به وسیله امضاکننده یا تحت کنترل انحصاری او صادر شده باشد. ۴. اتصال امن: به نحوی به یک داده‌پیام متصل شود که هر تغییری در آن داده‌پیام قابل تشخیص و کشف باشد (قانون تجارت الکترونیکی، ماده ۱۰).

امضای الکترونیکی مطمئن به دلیل دارا بودن این شرایط فنی و حقوقی، از اعتبار بالاتری برخوردار است. طبق ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی، نسبت به داده‌پیام و امضای الکترونیکی مطمئن، انکار و تردید مسموع نیست و تنها ادعای جعل می‌تواند مطرح شود که این امر ارزش اثباتی آن را به اسناد رسمی نزدیک می‌کند (نواب و وحدتی‌مهر، ۱۴۰۰). در مقابل، امضای الکترونیکی ساده فاقد این تضمین‌های فنی بوده و ارزش اثباتی آن تابع ارزیابی قاضی و عوامل

مطمئنانه مندرج در ماده ۱۳ قانون است (کاتوزیان، ۱۳۸۵). بنابراین، امضای الکترونیکی نه تنها ابزار ایمن‌سازی مبادلات است، بلکه رکن رکن اعتباربخشی به اسناد الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوی محسوب می‌شود (زرکلام، ۱۳۸۲).

۳. ارزش اثباتی اسناد الکترونیکی در نظام حقوقی ایران

۳-۱. اصل کلی: عدم تبعیض به دلیل شکل الکترونیکی

پذیرش اسناد الکترونیکی به‌عنوان دلیل در محاکم قضایی، مستلزم عبور از سنت‌های دیرینه‌ای است که سندیت را منحصر در نوشته‌های کاغذی می‌دانستند. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، سنگ بنای پذیرش ادله الکترونیکی محسوب می‌شود. مطابق این ماده، «اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده‌پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». این مقرره، تجلی‌گاه اصل «بی‌طرفی فناوری» یا عدم تبعیض رسانه‌ای است که برگرفته از قانون نمونه آنسیترال می‌باشد (ساورایی، ۱۳۹۳). هدف قانون‌گذار از تصویب این ماده، جلوگیری از رد خودکار اسناد الکترونیکی به‌صرف غیرکاغذی بودن آنهاست و تأکید دارد که معیار قضاوت، محتوا و اعتبار سند است نه بستر مادی آن. بنابراین، دادگاه‌ها موظفند داده‌پیام‌ها را همانند اسناد کاغذی بررسی کنند و نمی‌توانند به بهانه عدم رعایت تشریفات سنتی نوشتاری، از استناد به آن‌ها خودداری ورزند (صادقی نشاط، ۱۳۹۳). این رویکرد، گامی اساسی در جهت انطباق نظام ادله اثبات دعوی ایران با تحولات عصر دیجیتال است، هرچند که پذیرش اصل اعتبار، به معنای یکسان بودن ارزش اثباتی تمام اسناد الکترونیکی نیست و شرایط خاصی برای اعتباربخشی به آن‌ها پیش‌بینی شده است.

۳-۲. تفکیک اسناد الکترونیکی از منظر ارزش اثباتی

با استناد به مواد قانون تجارت الکترونیکی و تطبیق آن با قوانین عمومی ادله اثبات دعوی، می‌توان اسناد الکترونیکی را از حیث ارزش اثباتی به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود که هرکدام آثار حقوقی متفاوتی دارند.

الف) سند عادی الکترونیکی با امضای ساده: این دسته از اسناد، داده‌پیام‌هایی هستند که فاقد شرایط «امضای الکترونیکی مطمئن» موضوع ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی می‌باشند. مبنای قانونی این اسناد، مواد ۶، ۷، ۱۲ و ۱۳ قانون مذکور است. ارزش اثباتی این اسناد مشابه اسناد عادی کاغذی است؛ بدین معنا که اصل بر صحت آن‌هاست، اما طرف مقابل می‌تواند نسبت به آن‌ها ادعای انکار یا تردید نماید. در این حالت، مطابق ماده ۱۳، ارزش اثباتی داده‌پیام‌ها با توجه به «عوامل مطمئن» از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار رفته با موضوع مبادله، توسط قاضی ارزیابی می‌شود. بنابراین، در اسناد با امضای ساده، قاضی اختیار دارد تا با بررسی شرایط ایجاد، نگهداری و ارسال پیام، میزان اعتبار آن را تعیین کند (شمس، ۱۳۸۴).

ب) سند عادی الکترونیکی با امضای مطمئن: این اسناد دارای اعتبار بالاتری هستند و تحت شمول مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی قرار می‌گیرند. داده‌پیامی که به روش مطمئن ایجاد و نگهداری شده باشد، از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، در حکم سند معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است. مهم‌ترین اثر حقوقی این اسناد، غیرقابل انکار و تردید بودن آن‌هاست. مطابق ماده ۱۵، نسبت به داده‌پیام مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن، انکار و تردید مسموع نیست و طرف مقابل تنها می‌تواند ادعای جعلیت وارد کند یا ثابت نماید که سند به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است (نواب و وحدتی‌مهر، ۱۴۰۰). این ویژگی، ارزش اثباتی این اسناد را به اسناد رسمی کاغذی نزدیک می‌کند، هرچند که از نظر ماهیت

همچنان در زمره اسناد عادی طبقه‌بندی می‌شوند مگر آنکه توسط مأمور رسمی تنظیم شوند.

ج) سند رسمی الکترونیکی: در خصوص این دسته، قانون تجارت الکترونیکی سکوت معناداری دارد و تعریف صریحی از «سند رسمی الکترونیکی» ارائه نکرده است. با توجه به تعریف سند رسمی در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی که تنظیم سند را منوط به حضور در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی و در حدود صلاحیت مأموران رسمی می‌داند، شناسایی سند رسمی الکترونیکی با چالش مواجه است. تا زمانی که زیرساخت‌های لازم برای تنظیم اسناد توسط سردفتران به صورت الکترونیکی و از راه دور فراهم نشود و قانون‌گذار به صراحت دفاتر اسناد رسمی الکترونیکی را به رسمیت نشناسد، استناد به سند رسمی الکترونیکی با ابهام روبرو است (عرفانی، ۱۳۸۴). برخی حقوقدانان با تفسیر مواد ۱۴ و ۱۵ تلاش کرده‌اند تا داده‌پیام‌های مطمئن را هم‌تراز اسناد رسمی بدانند، اما این دیدگاه با تعریف مضیق قانون مدنی از سند رسمی در تعارض است.

۳-۳. تحلیل ماده ۱۵: ابهام در عبارت «در حکم اسناد معتبر و قابل استناد»

عبارت مندرج در ماده ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی مبنی بر اینکه داده‌پیام‌های مطمئن «در حکم اسناد معتبر و قابل استناد» هستند، منشأ اختلاف نظر میان حقوقدانان شده است. گروهی از حقوقدانان معتقدند که قانون‌گذار با به کارگیری این عبارت و سلب امکان انکار و تردید، قصد داشته است ارزش اثباتی داده‌پیام مطمئن را هم‌تراز اسناد رسمی قرار دهد (فاطمیان و همکاران، ۱۳۹۶). استدلال آن‌ها این است که وقتی انکار و تردید نسبت به سندی مسموع نیست و تنها راه مقابله، ادعای جعل است، آن سند از حیث ارزش اثباتی در ردیف اسناد رسمی قرار می‌گیرد.

با این حال، با بررسی دقیق‌تر و توجه به تعریف مضیق سند رسمی در قانون مدنی (ماده ۱۲۸۷) و قانون ثبت، و نیز آثار خاص اسناد رسمی مانند لازمالاجرا بودن بدون نیاز به حکم دادگاه، به نظر می‌رسد دیدگاه اول نه کاملاً قابل پذیرش باشد. داده‌پیام مطمئن، اگرچه از اعتبار بالایی برخوردار است و انکار و تردید نسبت به آن پذیرفته نیست، اما فاقد کلیه آثار سند رسمی کاغذی است مگر آنکه قانون‌گذار به صراحت آن را در زمره اسناد رسمی قرار دهد (نواب و وحدتی‌مهر، ۱۴۰۰). برای مثال، سند رسمی کاغذی دارای اعتبار تاریخ نسبت به اشخاص ثالث است و اجرای مفاد آن نیاز به تشریفات دادرسی ندارد، در حالی که این آثار برای داده‌پیام مطمئن به صراحت پیش‌بینی نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد ماده ۱۵ صرفاً اعتبار اثباتی بالایی برای این اسناد ایجاد کرده است، اما آن‌ها را از نظر ماهیت و تشریفات تنظیم، به سند رسمی تبدیل نکرده است. این ابهام قانونی نیازمند اصلاحیه‌های تقنینی یا تفسیر رسمی از سوی مراجع ذیصلاح است تا تکلیف ارزش اثباتی این اسناد در تقابل با اسناد رسمی سنتی مشخص گردد (ساورایی، ۱۳۹۳). در نهایت، تا زمانی که زیرساخت‌های فنی و حقوقی تنظیم سند رسمی الکترونیکی فراهم نشود، داده‌پیام‌های مطمئن همچنان در مرز میان سند عادی با اعتبار بالا و سند رسمی قرار خواهند داشت.

۴. چالش‌های حقوقی و عملیاتی اسناد الکترونیکی در ایران

با وجود تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ و گام‌های اولیه برداشته شده در جهت شناسایی اسناد الکترونیکی، نظام حقوقی ایران در مسیر بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های این اسناد با چالش‌های متعددی روبرو است. این چالش‌ها را می‌توان در سه دسته کلان «قانونی و تقنینی»، «فنی و اجرایی» و «فرهنگی و آموزشی» طبقه‌بندی

نمود که هر یک به نوبه خود مانع از تحقق کامل اهداف قانون‌گذار در ایجاد بستری امن و کارآمد برای مبادلات الکترونیکی شده است.

۴-۱. چالش‌های قانونی و تقنینی

الف) خلأ تعریف سند رسمی الکترونیکی: یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های حقوق اسناد الکترونیکی در ایران، عدم تعریف صریح و شفاف از «سند رسمی الکترونیکی» در قوانین موضوعه است. در حالی که ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، سند رسمی را سندی می‌داند که «در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد»، این تعریف ناظر بر حضور فیزیکی طرفین و تنظیم سند توسط مأمور رسمی در مکان مشخص است. این در حالی است که ماهیت اسناد الکترونیکی، امکان تنظیم از راه دور و بدون حضور فیزیکی را فراهم می‌آورد (نواب و وحدتی‌مهر، ۱۴۰۰). سکوت قانون تجارت الکترونیکی در این زمینه و عدم پیش‌بینی سازوکار تنظیم اسناد رسمی به صورت الکترونیکی توسط دفاتر اسناد رسمی، مهم‌ترین مانع بر سر راه بهره‌گیری از مزایای کامل اسناد الکترونیکی در معاملات مهمی مانند نقل و انتقال املاک، تأسیس شرکت‌ها و عقود رسمی است. این خلأ تقنینی باعث شده است که حتی در صورت دارا بودن شرایط «امضای الکترونیکی مطمئن»، اسناد الکترونیکی نتوانند از کلیه آثار اسناد رسمی، از جمله لازمالاجرا بودن بدون نیاز به حکم دادگاه، برخوردار شوند (عرفانی، ۱۳۸۴).

ب) عمومی بودن مقررات قانون تجارت الکترونیکی: قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، اگرچه در زمان تصویب خود پیشرو و نوآورانه بود، اما بیشتر ناظر بر جنبه‌های عمومی مبادلات الکترونیکی است و مقررات خاصی برای اسناد تجاری دیجیتال پیش‌بینی نکرده است. به عنوان مثال، این قانون هیچ حکم خاصی در خصوص برات، سفته، چک الکترونیکی و سایر اوراق تجاری قابل انتقال ارائه نداده است (ساورایی، ۱۳۹۱). با گسترش روزافزون فناوری‌های مالی (فین‌تک)، ظهور رمزارزها، قراردادهای هوشمند و پلتفرم‌های مبتنی بر دفتر کل توزیع‌شده، این خلأ قانونی آشکارتر شده و فعالان اقتصادی را در ابهام و سردرگمی قرار داده است (قنبرپور و قربانی، ۱۴۰۱). عدم وجود چارچوب حقوقی مشخص برای این

پدیده‌های نوین، نه تنها مانع توسعه تجارت دیجیتال شده، بلکه ریسک حقوقی معاملات را افزایش داده و امنیت قضایی طرفین را تهدید می‌کند.

ج) **تعارض با قوانین سنتی و رویه‌های قضایی:** در نظام حقوقی ایران، قوانین متعددی وجود دارند که بر شکل کاغذی و تشریفات سنتی اسناد تأکید دارند. به عنوان مثال، قانون آیین دادرسی مدنی در مواد ۶۷ الی ۸۳، بر ابلاغ کتبی اوراق قضایی و اخذ رسید از ابلاغ‌شونده تأکید ورزیده است. این در حالی است که ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی، پذیرش داده‌پیام‌ها را به عنوان ادله اثبات دعوی مجاز دانسته است. این تعارض ظاهری، در عمل باعث شده است که برخی قضات و مراجع اداری، با استناد به قوانین قدیمی‌تر، از پذیرش اسناد الکترونیکی خودداری کنند یا ارزش اثباتی آن‌ها را تقلیل دهند (صادقی نشاط، ۱۳۹۳). همچنین، بخشنامه‌هایی مانند بخشنامه شماره ۱/۸۴/۱۱۰۰ ریاست قوه قضائیه در خصوص ابلاغ تلفنی، اگرچه در جهت تسریع دادرسی صادر شده، اما با نص صریح قوانین آیین دادرسی در تعارض است و می‌تواند به اطلاع دادرسی و ایجاد ابهام در فرآیند اثبات منجر شود.

۲-۴. چالش‌های فنی و اجرایی

الف) **عدم استقرار کامل زیرساخت کلید عمومی و دفاتر خدمات صدور گواهی:** اعتبار اسناد الکترونیکی، به ویژه آن‌هایی که ادعای «مطمئن» بودن دارند، منوط به وجود زیرساخت‌های فنی نظیر «زیرساخت کلید عمومی» و فعالیت رسمی «دفاتر خدمات صدور گواهی امضای الکترونیکی» است. ماده ۳۲ قانون تجارت الکترونیکی، تأسیس این دفاتر را پیش‌بینی کرده و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسیده است. با این حال، تاخیر طولانی مدت در استقرار کامل این زیرساخت‌ها و عدم صدور گواهینامه‌های الکترونیکی معتبر برای عموم مردم و اشخاص حقوقی، عملاً امکان ایجاد «امضای الکترونیکی مطمئن» را محدود کرده است (نجفی، ۱۴۰۰). این نقص فنی، مستقیماً بر ارزش اثباتی اسناد در محاکم تأثیر می‌گذارد، زیرا قاضی بدون اطمینان از صحت امضا، هویت امضاکننده و تمامیت داده‌پیام، نمی‌تواند به سند استناد کند. به عبارت دیگر، فقدان مرجع رسمی و قابل اعتماد برای تأیید هویت دیجیتال اشخاص، حلقه مفقوده‌ای است که اعتبار زنجیره اسناد الکترونیکی را مخدوش می‌سازد (شهبازی و عبدالمی، ۱۳۸۸).

ب) **کمبود کارشناسان فنی-حقوقی و تخصص بین‌رشته‌ای:** احراز اصالت، بررسی تمامیت داده‌پیام‌ها، کشف جعل و تحلیل امنیت اسناد الکترونیکی، نیازمند

تخصصی است که ترکیبی از دانش حقوقی و فناوری اطلاعات باشد. متأسفانه، در نظام قضایی و کارشناسی ایران، کمبود شدید کارشناسان رسمی دادگستری که همزمان بر هر دو حوزه تسلط داشته باشند، احساس می‌شود (بختیاروند، ۱۳۸۴). این کمبود باعث شده است که در عمل، رسیدگی به دعاوی مرتبط با اسناد الکترونیکی با دشواری مواجه شود و قضات، به دلیل عدم آشنایی با پیچیدگی‌های فنی، ترجیح دهند به ادله سنتی کاغذی استناد کنند. این امر نه تنها کارایی قانون تجارت الکترونیکی را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به اطاله دادرسی و صدور آرای غیردقیق منجر گردد.

ج) مسائل امنیتی، خطر جعل و آسیب‌پذیری سیستم‌ها: اگرچه امضای دیجیتال مطمئن از نظر تئوری از امنیت بالایی برخوردار است، اما در عمل، سیستم‌های اطلاعاتی همواره در معرض تهدیدات سایبری قرار دارند. حملات هکری، سرقت کلیدهای خصوصی، بدافزارهای جاسوسی (مانند کی‌لاگرها)، فیشینگ و خطاهای انسانی، همگی می‌توانند اعتبار اسناد الکترونیکی را خدشه‌دار کنند (صادقی نشاط، ۱۳۹۳). همچنین، امکان تغییر نام‌محسوس داده‌پیام‌ها بدون بر جای گذاشتن ردپای قابل کشف، نگرانی‌هایی را در خصوص «تمامیت» اسناد الکترونیکی ایجاد کرده است. اگرچه قانون تجارت الکترونیکی در ماده ۱۰، شرط کشف‌پذیری هرگونه تغییر را برای امضای مطمئن مقرر داشته، اما تحقق عملی این شرط مستلزم بهره‌گیری از الگوریتم‌های رمزنگاری پیشرفته و نظارت مستمر است که در بسیاری از موارد محقق نشده است.

۳-۴. چالش‌های فرهنگی و آموزشی

الف) عدم آگاهی و اعتماد عمومی: یکی از موانع اصلی گسترش استفاده از اسناد الکترونیکی، عدم آگاهی کافی فعالان اقتصادی، حقوقدانان و حتی برخی مقامات قضایی از مفاهیم، مزایا و ضوابط قانونی حاکم بر این اسناد است (ساورایی، ۱۳۹۳). بسیاری از افراد، اسناد الکترونیکی را فاقد اعتبار کافی دانسته یا نسبت به امنیت آن‌ها تردید دارند. این بی‌اعتمادی، ریشه در عدم شناخت دقیق از مکانیزم‌های امنیتی مانند امضای دیجیتال، رمزنگاری و دفاتر گواهی دارد. تا زمانی که فرهنگ استفاده از اسناد الکترونیکی در جامعه نهادینه نشود و مزایای آن از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی شفاف تبیین نگردد، استقبال از این ابزارها محدود خواهد ماند.

ب) مقاومت در برابر تغییر و عادت به روش‌های سنتی: عادت دیرینه به روش‌های کاغذی و بی‌اعتمادی نسبی به فضای مجازی، از سوی برخی مقامات

قضایی، اداری و حتی شهروندان، سرعت پذیرش اسناد الکترونیکی را کاهش داده است (عرفانی، ۱۳۸۴). این مقاومت، گاه ریشه در نگرانی از پیچیدگی‌های فنی، ترس از خطا یا سوءاستفاده، و گاه ناشی از عدم تمایل به تغییر رویه‌های ریشه‌دار دارد. در حالی که تحول دیجیتال اجتناب‌ناپذیر است، غلبه بر این مقاومت‌های فرهنگی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، آموزش مستمر و ایجاد تجربه‌های موفق عملی است که اعتماد عمومی را جلب کند.

ج) فقدان برنامه‌های آموزشی تخصصی در نظام حقوقی: نظام آموزش حقوق در ایران، هنوز به‌طور کافی به مباحث حقوق فناوری اطلاعات، اسناد الکترونیکی و ادله دیجیتال نپرداخته است. دروس دانشگاهی حقوق، عمدتاً بر مبانی سنتی متمرکز هستند و دانش‌آموختگان با چالش‌های عصر دیجیتال آشنا نمی‌شوند (نجفی، ۱۴۰۰). همچنین، دوره‌های آموزش ضمن خدمت قضات و کارشناسان نیز فاقد محتوای کافی در این حوزه است. این خلأ آموزشی، باعث شده است که نسل فعلی حقوقدانان و قضات، در مواجهه با پرونده‌های الکترونیکی با دشواری روبرو شوند و نتوانند از ظرفیت‌های کامل قانون تجارت الکترونیکی بهره‌برداری کنند.

در مجموع، چالش‌های فوق نشان می‌دهد که پذیرش اصل اعتبار اسناد الکترونیکی در قانون، به تنهایی کافی نیست. تحقق کامل این اعتبار، نیازمند تکمیل چارچوب قانونی، استقرار زیرساخت‌های فنی، تربیت نیروی انسانی متخصص و فرهنگ‌سازی گسترده در سطح جامعه است. تا زمانی که این موانع برطرف نشوند، اسناد الکترونیکی نمی‌توانند جایگاه شایسته خود را در نظام ادله اثبات دعوی ایران احراز کنند و پتانسیل بالای آن‌ها در تسهیل دادرسی و تجارت، به‌طور کامل آزاد نخواهد شد.

۵. راهکارها و پیشنهادات

برای غلبه بر چالش‌های فوق و تحقق کامل ظرفیت‌های اسناد الکترونیکی در نظام حقوقی ایران، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. تکمیل چارچوب قانونی:

تدوین و تصویب قانون یا اصلاحیه‌ای جامع برای «اسناد تجاری الکترونیکی» با تعریف دقیق و مقررات حاکم بر برات، سفته و چک دیجیتال. تعریف صریح «سند رسمی الکترونیکی» در قانون ثبت اسناد و املاک یا قانون تجارت الکترونیکی و پیش‌بینی سازوکار تنظیم آن توسط دفاتر اسناد رسمی مجهز به سامانه‌های امن.

۲. تقویت زیرساخت‌های فنی و نهادی:

تسریع در راه‌اندازی و نظارت مؤثر بر «دفاتر خدمات صدور گواهی امضای الکترونیکی» تحت نظر مراجع ذی‌صلاح مانند بانک مرکزی. توسعه و ترویج استفاده از استانداردهای امنیتی بین‌المللی و بومی‌سازی شده برای حفاظت از داده‌پیام‌ها و امضاهای الکترونیکی.

۳. ارتقای توانمندی‌های نیروی انسانی:

گنجاندن دروس مرتبط با حقوق فناوری اطلاعات و ادله الکترونیکی در برنامه‌های درسی رشته حقوق و دوره‌های آموزش قضات و کارشناسان رسمی دادگستری. ایجاد واحدهای تخصصی «ادله الکترونیکی» در مراکز تحقیقاتی قوه قضائیه و دانشگاه‌ها.

۴. فرهنگ‌سازی و افزایش اعتماد عمومی:

اجرای کمپین‌های اطلاع‌رسانی توسط مراجع قانونی درباره مزایا، امنیت و ضمانت‌های اجرایی اسناد الکترونیکی. تشویق دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی به الکترونیکی‌کردن فرآیندها و پذیرش اسناد الکترونیکی معتبر.

۵. هماهنگی بین‌بخشی و بین‌المللی:

ایجاد کارگروه مشترک متشکل از نمایندگان قوه قضائیه، وزارت ارتباطات، بانک مرکزی و سازمان ثبت اسناد برای پیگیری هماهنگ مسائل مربوط به اسناد الکترونیکی.

بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورها و هماهنگی بیشتر با اسناد بین‌المللی مانند قوانین نمونه آنسیتال.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با واکاوی مبانی نظری و مقررات حاکم بر اسناد الکترونیکی در نظام حقوقی ایران، به این نتیجه دست یافته است که گذار از اسناد سنتی کاغذی به اسناد الکترونیکی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای همگامی با تحولات جهانی و تسهیل مبادلات تجاری و حقوقی است. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، با الهام از قوانین نمونه آنسیترال و پذیرش نظریه «معادل‌های کارکردی»، گام بنیادینی در جهت به‌رسمیت شناختن «داده‌پیام» و «امضای الکترونیکی» برداشته و اصل عدم تبعیض به دلیل شکل الکترونیکی را در ماده ۱۲ خود تثبیت کرده است. با این حال، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که پذیرش اصل اعتبار، به معنای تحقق کامل آثار حقوقی این اسناد در عمل نیست.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اگرچه قانون‌گذار در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی، برای «داده‌پیام مطمئن» و «امضای الکترونیکی مطمئن» اعتباری فراتر از اسناد عادی سنتی قائل شده و انکار و تردید نسبت به آن‌ها را مسموع ندانسته است، اما ابهامات تقنینی جدی در خصوص هم‌ترازسازی کامل این اسناد با «اسناد رسمی» موضوع ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی وجود دارد. سکوت قانون در تعریف صریح «سند رسمی الکترونیکی» و عدم پیش‌بینی سازوکار تنظیم این اسناد توسط دفاتر اسناد رسمی به صورت الکترونیکی، باعث شده است تا این اسناد از برخی آثار مهم اسناد رسمی، از جمله لازم‌الاجرا بودن بدون نیاز به حکم دادگاه، محروم بمانند. این خلأ، نیازمند تفسیر موسع قانونی یا اصلاحیه‌های تقنینی است تا تعارض میان مقررات نوین تجارت الکترونیک و قوانین سنتی ثبت و مدنی مرتفع گردد.

علاوه بر چالش‌های ماهوی، موانع اجرایی و زیرساختی نیز به عنوان گلوگاه‌های اصلی بهره‌گیری از ظرفیت اسناد الکترونیکی شناسایی شدند. علی‌رغم تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی، عدم استقرار کامل «زیرساخت کلید عمومی» و فعالیت محدود «دفاتر خدمات صدور گواهی امضای الکترونیکی»، عملاً امکان ایجاد امضای الکترونیکی مطمئن را برای عموم مردم و تجار محدود ساخته است. همچنین، فقدان قوانین خاص برای اسناد تجاری دیجیتال (نظیر چک، برات و سفته الکترونیکی) و قراردادهای هوشمند، در حالی که فناوری‌های مالی (فین‌تک)

به سرعت در حال گسترش هستند، ریسک حقوقی معاملات را افزایش داده و امنیت قضایی را تحت الشعاع قرار داده است.

از منظر دادرسی، کمبود قضات و کارشناسان رسمی دادگستری دارا بودن تخصص تلفیقی حقوق و فناوری اطلاعات، باعث شده است تا در عمل، احراز اصالت، بررسی تمامیت داده‌پیام‌ها و کشف جعل در اسناد الکترونیکی با دشواری مواجه شود. این امر گاهی منجر به ترجیح ادله سنتی توسط مراجع قضایی و کاهش کارایی قانون تجارت الکترونیکی می‌گردد.

در نهایت، می‌توان استدلال کرد که آینده نظام ادله اثبات دعوی ایران، در گرو توانایی آن در ایجاد تعادل پویا میان «اصول ثابت حقوقی» و «فناوری‌های نوین» است. تحقق کامل اعتبار اسناد الکترونیکی، مستلزم اتخاذ رویکردی جامع شامل: (۱) تکمیل چارچوب تقنینی با تعریف صریح سند رسمی الکترونیکی و تدوین قوانین خاص برای اسناد تجاری دیجیتال؛ (۲) تسریع در راه‌اندازی و نظارت بر زیرساخت‌های فنی صدور گواهی امضای مطمئن؛ (۳) ارتقای دانش تخصصی قضات و کارشناسان از طریق دوره‌های آموزشی هدفمند؛ و (۴) فرهنگ‌سازی برای افزایش اعتماد عمومی به مبادلات دیجیتال است. تنها با رفع این موانع، اسناد الکترونیکی می‌توانند از جایگاه یک «دلیل پذیرفته‌شده صرف» فراتر رفته و به ابزاری کارآمد، مطمئن و تسهیل‌گر برای تحقق عدالت و توسعه پایدار اقتصادی در ایران تبدیل شوند.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۸۲) حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیه.
- بختیاروند، مصطفی (۱۳۸۴) ماهیت و آثار حقوقی امضاهای الکترونیکی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶) مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد ۱). تهران: گنج دانش.
- ساورایی، پرویز. (۱۳۹۳). تحلیل حقوقی سند الکترونیک. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۷، ۸۳-۱۰۷.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴) آیین دادرسی مدنی (جلد سوم). تهران: دراک.
- صادقی نشاط، امیر. (۱۳۹۳). اعتبارسنجی اسناد الکترونیک. پژوهش حقوق خصوصی، ۶۶، ۶۱-۶۶.
- عرفانی، محمود. (۱۳۸۴). اسناد الکترونیکی. مطالعات حقوق خصوصی، (۷۰)، ۲۶۰-۲۴۳.
- فاطمیان، مسعود؛ حسنی، علیرضا؛ کی نیا، محمد؛ ابهری، حمید. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر حقوق اسناد الکترونیکی از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۰، ۳۰-۱.
- قنبرپور، بهنام؛ قربانی، امید. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر ایجاد ابلاغ و ثبت الکترونیکی در روند دادرسی قضایی. آموزه های فقه و حقوق جزاء.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) اثبات و دلیل اثبات (جلد ۱). تهران: میزان.

- نواب، محمدرضا؛ وحدتی‌مهر، امیررضا. (۱۴۰۰). بررسی اعتبار اسناد الکترونیکی در حقوق ایران (با مقایسه تطبیقی با اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه). ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی، تهران.